

ایل مامش

با هممیهنان خود آشنا شوید

از : غلامعلی شاملو

آنچه در این نوشتار از نظر خواننده گاه بگذرد، فسرده و قصه در بر سر راه است
 که در مهاباد و سقز و آمل بسیار سابق و پربروز است انجام گرفته است
 این نیز بسیار نامیوتر که اولاد هر نوزاد در بنام عاشرین از این بزرگوار
 در آستان سال ۱۳۲۱ خورشیدی گاه بعد از سی تا سی و دو روز پس از آن

زیست گاه رئیس ایل :

رئیس کنونی ایل مامش، علی آقا امیر عشایر است و در ده بزرگ «پسوه» می نشیند. «پسوه» میان مهاباد و جلدبان قرار گرفته و بسیار خوش آب و هوا است.

در چند کیلومتری جنوب «پسوه» یک مرکز بزرگ آموزشی نظامی بنام «پسوه» تأسیس شده است. در این آبادی که زیست گاه رئیس ایل است، دبستان وجود ندارد و کودکان به کلاس های درس مبارزه با بی سواد ی پادگان «پسوه» می روند و درس می خوانند. آبادی «پسوه» از نود و هفت (۹۷) خانوار تشکیل شده و قریب ششصد و هفتاد و هفت (۶۷۷) تن جمعیت دارد.

روابط با ایل های همسایه :

ایل مامش با ایل های «منگور» و «دهبگری» در سردشت و سقز و با ایل پیران در بخش خانه همسایه است. روابط این ایل با ایل های دیگر ظاهراً خوب است و گاه گاهی رؤسای برخی از این ایل ها بدیدن یکدیگر می روند.

زبان :

ایل مامش، به یک گویش ایرانی که بسیار نزدیک به گویش کردی مهاباد است، سخن می گویند. در زیر چند واژه از گویش آنها برای نمونه داده می شود :

بران = قوچ

ایل مامش در سرزمین کوهستانی و خوش آب و هوای میان مهاباد و نقده زندگی می کنند. این ایل در سرزمینی که از شمال به «سلدوز» Soldouz و از جنوب به «خانه» و از مشرق به مهاباد و آبادی های پیرامون سقز و از مغرب به «اشنویه» پیوسته است می نشینند و در یکصدوسی ده زندگی می کنند. نام برخی از این دهات عبارتند از :

Ligben	لیگ بین
Pasveh	پسوه
Cerokani	سروکانی
Khorendj	خورنج
Sardareh	سردره
Kile-Sipan	کیله سپیان
Djaldyian	جگلدیان
Kane-Bagh	کان باغ
Hadji-Ghaldé	حاجی غلده
Kondaré	کندره
Kande-Ghoulan	کند غولان
Gerdexpian (تپه سفید)	گرد کسپیان
Gerdaben	گردابن
Soufian	صوفیان
Kane-Molla	کان ملا

پست = پوست
 تَرزا = تگرگ
 نل = تله ، دام
 جال جالوك = عنكبوت
 جِرگ = جگر
 حَمبار = انبار
 مال = خانه
 كُتر = کبوتر
 مَر = گوسفند
 مَنجال = دیگ
 میندال = بچه

دین :

مامش‌ها مسلمان و اهل‌تسنن و پیرو مذهب شافعی هستند. هم‌چنین صوفی مسلک و در طریقت پیرو فرقه قادری و نقش‌بندی می‌باشند. تمام افراد ایل و طائف‌دینی را به‌خوبی و با‌خلوص نیت انجام می‌دهند. نماز و روزه و دیگر تکالیف و فرایض دینی را هیچگاه ترک نمی‌کنند. درامه‌های سوگواری عزاداری نمی‌نمایند ولی از تشکیل مجالس بزم و شادی خودداری می‌کنند.

طایفه‌ها :

ایل مامش از شش (۶) طایفه زیر تشکیل شده‌است :

- ۱ - قادری
- ۲ - ملا سلیمانی
- ۳ - بایزیدی
- ۴ - احمدی
- ۵ - عزیزی
- ۶ - امیر عشایری

سازمان ایل :

ایل مامش مدت‌ها پیش از زندگی چادرنشینی دست‌کشیده و در دهات نشیمن‌گرفته‌اند. بیشتر افراد ایل از زن و مرد به‌کشاورزی و گله‌داری اشتغال دارند و در کشت‌زارها زنها دوش به‌دوش مردان کار می‌کنند. با این‌که ایل مامش از چادرنشینی دست‌کشیده و سازمان نخستین آن دگرگون گشته ولی هنوز تا اندازه‌ای قدرت و نفوذ رئیس ایل پابرجاست و چندان تغییری ننموده‌است. معمولاً اختلافات جزئی توسط رئیس ایل حل‌وفصل می‌شود. ولی در مورد اختلافات بزرگ و یا دزدی و آدم‌کشی، به دستگاه‌های دولتی و قانونی مراجعه می‌کنند. هنوز هم امور ایلی پیش‌از اجرا باید از نظر رئیس ایل بگذرد و پس‌از آن به مرحله عمل درآید. رئیس ایل از مجازات و تنبیه افراد خطا کار تا آن‌جا که ممکن است خودداری می‌کند. رابطه رئیس ایل با زیردستان مانند رابطه مالک و کشاورز است. چون ایل مامش فرمانبردار دولت هستند زندگی آرام ده‌نشینی دارند، از طرف دولت و ارتش نماینده و افسران نظامات

میان آن‌ها گمارده نشده‌است. مالکان دهات بیشتر خویشاوند رئیس ایل می‌باشند و امور ده زیر نظر آنها و نظارت رئیس ایل مشترکاً انجام می‌گردد. هر یک از طایفه‌های ششگانه ایل مامش رئیسی دارد که مستقیماً زیر نظر رئیس ایل کار می‌کنند. ریاست در ایل مامش موروثی است و از پدر به پسر ارث می‌رسد و هم‌اکنون نیز در طایفه امیر عشایر این توارث برقرار است.

کشاورزی :

زمین‌های ایل مامش برای کشاورزی آمادگی کافی دارد و محصول خوب می‌دهد ولی هنوز با گاو آهن و افزارهای کهن کار می‌کنند و از وسایل و ابزارهای نوین کشاورزی - جز چند تراکتور - در آن‌جا چیز دیگری دیده نشد. شك نیست اگر از ابزارهای نوین بکار برده شود بر مقدار محصول افزوده خواهد شد. کشاورزی در سرزمین ایل مامش دوفوع است : آبی و دیمی. زمینی که یک سال گندم در آن کاشته شده سال دیگر ناکشته گذاشته می‌شود و پس‌از آن در سال دوم چیز دیگری در آن می‌کارند و در سال سوم باز در آن گندم کشت می‌نمایند. اگر مالک بذرو آب و زمین به کشاورز بدهد، به‌هنگام برداشت، نیمی از محصول به او خواهد رسید و اگر کشاورز خود بذرو آب تهیه نماید و زمین را مالک بدهد، دو دهم از محصول به مالک و بقیه از آن کشاورز است. ولی بطور کلی کشاورزان علاقه دارند که مالک بذر و آب و زمین به آنها بدهد و این روش را بیشتر می‌پسندند زیرا عقیده دارند بیشتر مورد حمایت و محبت رئیس ایل خواهند بود.

آنچه ایل مامش از فرآورده‌های خود به دیگران می‌فروشد عبارت‌است از : حبوبات، غلات، لبنیات، توتون؛ چغندر و مهم‌ترین چیزهایی که خریداری می‌کنند بدین‌قرار است : سیگار، پارچه، قند، شکر، چای، برنج، وسایل و ابزارهای زندگی و پیشه.

آبیاری :

پخش آب به کشاورزان بستگی به وسعت زمین زیر کشت آنها دارد و هر چه زمین پهناورتر باشد کشاورزان سهم بیشتری از آب خواهد داشت و گاه چنین پیش می‌آید که یک کشاورز دو یا سه روز تمام آب یک آبادی را می‌برد. آب مورد لزوم برای کشاورزی از چشمه‌ها و دربرخی نقاط از رودخانه‌ها تأمین می‌شود اما برای آب خوراکی، هر چند خانه یک چاه آب با چرخ و دلو دارند.

سرگرمی و گاردستی :

زنها هنگام بیکاری به ریسندگی می‌پردازند و جورابه‌های ضخیم و با دوامی می‌بافند. در زمستان که کارهای کشاورزی تقریباً تعطیل است زنها و مردها دورهم گرد می‌آیند و به صحبت و نقل داستان می‌پردازند. در این ایل افسانه‌ها، مثل‌ها و چیستان‌های فراوانی توسط آقای مجیدزاده گردآوری



خرمن کوبی ایل «مامش - پوه»

- ۳- این چیست هر چه می روی به جای می ماند؟ «جای پا»
 معتقدات:
- ایل مامش سخت پابند چیزهایی است که به آنها اعتقاد دارند و ما در زیر نمونه‌هایی از معتقدات آنها را یاد می کنیم:
- ۱- زائو اگر هفت شب تنها بماند، بختک (که مامش‌ها آن را «شو» می نامند) بچه اش را می رباید.
 - ۲- پری‌ها (پابه گفته مامش‌ها «کاموس»‌ها) فقط به زنان و جوانان خوب صورت حمله می کنند.
 - ۳- شب‌ها سرچشمه رفتن شوم است.
 - ۴- جارو کردن هنگام شب هستی انسان را بر باد می دهد.
 - ۵- بعد از ظهرها نمک وام دادن بدبختی می آورد.
 - ۶- نوزاد پسر بیش از دختر اهمیت دارد و سبب خوشبختی می شود.
 - ۷- باران رحمت خداست.
 - ۸- دیگ سیاه میان گوسفندان بردن سرانجام خوشی ندارد.
 - ۹- خروس اگر شب بخواند سرش را می بزند.
 - ۱۰- شب‌های چهارشنبه آب روی زمین نباید ریخت چون اجنه خیس می شوند.

شده است که نمونه‌هایی از آنها در زیر آورده می شود و امید است که تمام آنها در کتاب جداگانه‌ای جزو انتشارات اداره فرهنگ عامه به چاپ برسد. ضمناً وقت افسانه گوئی بیشتر در شب‌های دراز زمستان است که روزها کاری ندارند و می توانند شب‌ها تا دیروقت بیدار بمانند.

مثلها:

- ۱- مرده به رضایت خود در گور نمی رود.
 - ۲- مردن با دوستان جشن پیروزی است.
 - ۳- از آب پرزور مترس، از آب راکد بترس.
 - ۴- يك دست به تنهایی صدا ندارد.
 - ۵- از همه ابرها نبارد.
 - ۶- ترید خورد کردن به امید همسایه همیشه خشک است.
 - ۷- تا سوار نیفتند سوار کار نمی شود.
 - ۸- درختن و بیداری چون مرغ باش.
 - ۹- چوب را بلندکن سگ دزد پیدا است.
 - ۱۰- دزد خانگی گرفته نمی شود.
- چیستان‌ها:
- ۱- این چیست اطاقی است پراز یاقوت؟ «انار»
 - ۲- این چیست یکی است دو نمی شود؟ «خدا»

زناشوئی :

مامش‌ها چون مسلمان و سنی هستند می‌توانند چهار زن عقدی بگیرند ولی حق گرفتن صیغه ندارند. رئیس ایل یا بزرگ ده معمولاً با طبقات پائین‌تر از خانواده خود ازدواج نمی‌کند. ایل مامش با طوائف و ایل‌های دیگر وصلت می‌نمایند. پیش از خواستگاری، یعنی هنگامی که خانواده دختر از طرف خانواده پسر، تمایلی برای خواستگاری دیدند، چندتنی را برای پی‌بردن به دارائی داماد می‌فرستند که از پشت‌بام‌های دور و نزدیک پنهانی زندگی داماد و خانواده‌اش را مدتی زیر نظر بگیرند. زناشوئی در ایل مامش تشریفات زیادی دارد. مثلاً هنگامی که عروس را به‌خانه داماد می‌برند، گرداگرد او را گروه بسیاری از مردم ده فرا می‌گیرند و گروهی از جوانان سواره در پیش و پس عروس و همراهان او به اسب‌تازی می‌پردازند. زنها در زندگی زناشوئی از آزادی و بیان عقیده در بیشتر موارد بی‌بهره‌اند و مرد به‌آسانی می‌تواند همسرش را طلاق دهد.

خانه :

خانه‌ها غالباً از خشت و گل ساخته می‌شود و در ساختمان آنها معمولاً توجهی به روشنایی نمی‌کنند. هرخانه از یک یا دو اطاق تشکیل شده‌است که مستقیماً به کوچه‌ها و گذرگاه‌های تنگ و ناهموار متصل می‌گردد. پی بنا با سنگ و شن ساخته می‌شود. کشاورزان در گوشه اطاق نشیمن خود، تنوری در زمین ساخته‌اند که در آن نان مورد نیاز خود را درست می‌کنند. این تنور گلی است و گودی آن تا نیم‌متر می‌رسد.

خوراک‌ها :

خوراک مامش‌ها گوناگون است و در پختن انواع آنها از ادویه استفاده می‌کنند. برنج را آبکش نمی‌کنند و آن را به‌صورت «کنه» می‌خورند. بیشتر خورش‌هایی که با پلو مصرف می‌نمایند عبارت است از: لوییا، بامیه، سیب‌زمینی، بادنجان و گوجه‌فرنگی. «کنه» را ساده یا با شیود، لوییا و یا به‌شکل ته‌چین درست می‌کنند. در زیر نام برخی خوراک‌های مامش‌ها به‌گوش محلی داده می‌شود:

۱- سَنگِ سیر : آش کشک است. برخی مواقع هم در آن کوفته می‌ریزند.

۲- نانِ رَقّ : تهیه این غذا بدین‌گونه است که نخست سوپی درست می‌کنند و در آن چند دانه تخم‌مرغ می‌شکنند و سپس ده دقیقه می‌گذارند بجوشد. هنگام خوردن نان در آن ترد می‌کنند و می‌خورند.

۳- سَرُوپ : کله‌پاچه.

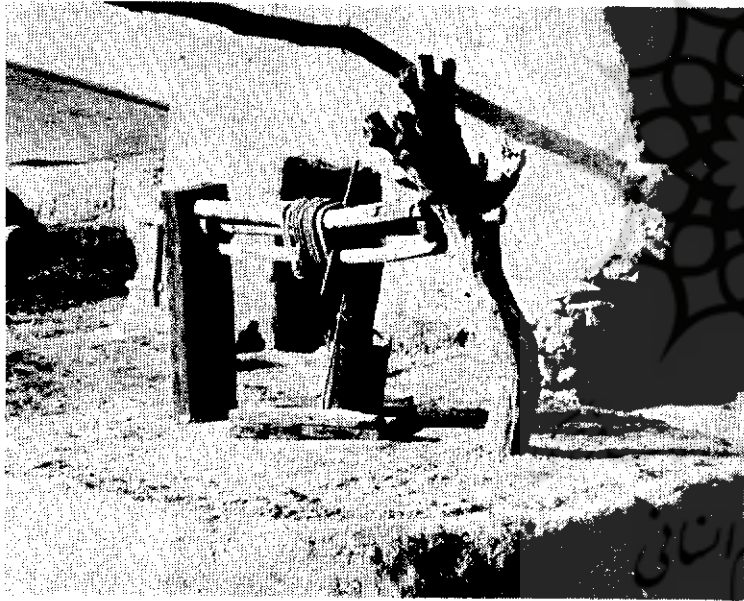
۴- قَاتِقِ آشی : مواد لازم برای تهیه این آش برنج، لپه، سبزی و گوشت است.

۵- حَیْرانِ شُرْبَا : همان شوربا است.



دو کشاورز «مامش» با داس‌های دروگری

چرخ چاه ایل «مامش - پسوه»

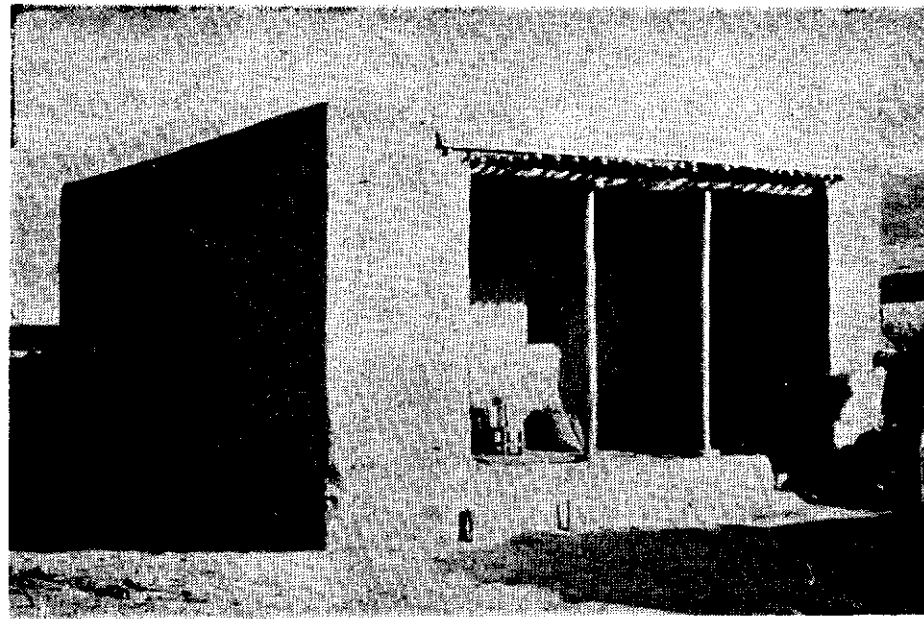


بازی‌ها :

جوانان و کودکان ایل مامش در جشن‌های ملی و مذهبی، بازیهای سرگرم‌کننده‌ای می‌کنند ولی نمیتوان گفت که این بازیها ویژه روزهای جشن و عیداست زیرا جوانان ایل هنگام بیکاری و آسایش به اسب‌سواری، ورزش و شکار می‌گذرانند و یا بازی می‌پردازند. برای شکار به کوه‌های پیرامون ده خود می‌روند. در این کوه‌ها پرندگان چون کبک و تیهو فراوان است. اسب‌سواری، مهم‌ترین ورزش و سرگرمی جوانان ایل



يك نمونه از لباس تمام تنه ایل « مامش »



خانه يك کشاورز ایل « مامش - پسوه »

و حتی پیرمردان می باشد ، به اندازه ای که جزو وظایف زندگی شمرده شده و هر مردی ناچار است آن را بیاموزد و خوب بداند. برخی از بازیهای مامش ها شبیه به بازیهای است که در تهران می کنند از جمله :

۱- قیره قیرن Gharé-Gharen : « قایم موشک »
 ۲- چلیک حمزل Tchalek-Hamzal : « جفتک چارکش »

۳- دارو هلوک Dar-o-Halouk : « الک دولک »
 ولی برخی بازیهای آنها شباهتی به بازیهای تهران ندارد مانند « رم بازی » که مسابقه اسب سواری است و آن بدین طریق است که عده ای سوار بر اسب می شوند و پیرامون محوطه دایره ماندی اسب سواری می کنند. برخی نقاط این محوطه خط کشی شده که بمنزله مرز است و هر کس از روی این نقاط بگذرد بازی را می بازد و از دور مسابقه خارج می شود.
پوشاک :

مردان و زنان ایل مامش مانند بسیاری از ایل های دیگر پوشاکشان ساده و بی پیرایه است .

الف - جامه مردان :

۱- شلوار گشاد چین دار که دهانه آن در مجه پاتنگ و باریک می شود .

۲- نیم تنه کوتاه که غالباً آن را از ترمه یا مخمل قرمز و بنفش می دوزند . نیم تنه مردان یقه بسته و آستین بلند است و دو جیب در روی سینه و دو سوی آن قرار دارد . جیب ها در دار است و در آن بوسیله دکمه ای بسته می شود (مانند جامه سربازان) .

گاهی نیم تنه مجه برگردان دارد و خود نیم تنه هم از جلو بوسیله چند دکمه باز می شود .

۳- روی نیم تنه در کمر گاه ، شال ابریشمی پهنی بجای کمر بند می بندند که این شال را به طرز ویژه ای گره می زنند .

۴- دور شب کلاه کوچکی ، چند طاقه شال ابریشمی نازک و گلدان می پیچند و از آن به جای کلاه استفاده می نمایند .

۵- پاپوش آنها از چرم خام است که از مه آباد تهیه می کنند و پا گیوه است که خود درست می نمایند و یا می خرند .

۶- بیشتر مردان دستمالهای سفیدی از روی جامه به دور آستین یا بازو می پیچند که یک سر این دستمالها آزاد و آویزان است .

ب - جامه زنان :

پوشاک زنان نیز ساده و بی پیرایه است . شلوار بلندی از دبیت مشکی بیا می کنند و پیراهن بلند آستین داری روی شلوار می پوشند . کلاه پولک دوزی به سر می گذارند و مانند مردان چند شال ابریشمی نازک و گلدان بردور کلاه می پیچند . پوشاک زن ها در جشن ها و عروسی ها تزئینات بیشتری دارد . پاپوش زن ها هم مانند پاپوش مرد ها ساده است . گاهی پاپوش از چرم خام و گاه گیوه می باشد .